فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc118032512)

[پیشگفتار 2](#_Toc118032513)

[راه‌های اثبات سیره در عصر حاضر 2](#_Toc118032514)

[راه اول: راه استقراء 2](#_Toc118032515)

[بیان چند نکته 3](#_Toc118032516)

[نکته اول 3](#_Toc118032517)

[نکته دوم 3](#_Toc118032518)

[نکته سوم 3](#_Toc118032519)

[راه دوم: تحلیل وجدانی 4](#_Toc118032520)

[ملاحظات 6](#_Toc118032521)

[ملاحظه اول 6](#_Toc118032522)

[ملاحظه دوم 6](#_Toc118032523)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# پیشگفتار

گفتیم در مقام دوم سخن از طرق اثبات سیره به میان می‌آید که سیره عقلاییه را و سیره را با چه روش و مناهجی می‌شود اثبات کرد

گفتیم این در دو مرحله بحث می‌شود یکی اینکه اثبات کنیم سیره‌ای در عصر خودمان، این یک مرحله است که گاهی مستقلاً ممکن است آثار فقهی هم داشته باشد که احراز بکنیم یک سیره‌ای را در عصر خودمان،

# راه‌های اثبات سیره در عصر حاضر

در الفائق، برای اثبات سیره معاصر خود ما نه معاصر معصوم، سیره در همین زمان، سه راه و طریق ذکر شده است

الطریق الاول: الاستقراء

الطریق الثانی: التحلیل الوجدانی

الطریق الثالث: الضروره و الحاجة لخصوص السیره

این سه راهی است که ذکر شده است

## راه اول: راه استقراء

دیروز اشاره شد به راه اول که راه استقراء است و بر حساب احتمالات انجام می‌شود

تقریر راه اول این بود که می‌بیند کسانی یا اشخاصی و یا فردی در مورد معامله این طور رفتار می‌کنند، معاطاتی اقدام می‌کنند و یا اینکه معاطاة از صغیر را هم قبول می‌کنند صغیر ممیز مثلاً، این را می‌بیند اینجا انجام می‌شود و در سمنان می‌رود می‌بیند همین است و در مشهد هم می‌بیند همین است، از کشور ایران که خارج می‌شود فلان کشور آسیایی و یا آفریقایی یا اروپایی هم می‌بیند همین است.

تعدد وقوع این عمل و این سبک رفتاری از افراد متفاوت در موقعیت‌های متفاوت سنی، زمانی، مکانی، فرهنگی، نژادی، زبانی را مشاهده می‌کند این استقراء است با این مشاهده تعدد وقایع می‌فرماید این یک امر ساری و جاری است و به دلیل اینکه در احوال مختلف هم صادر می‌شود می‌گوید که این سیره عقلاییه است ناشی از یک جهات خاصه نیست این راه اول بود که دیروز اشاره شد.

در این راه اول مشاهده می‌کند، مشاهده میدانی و استقراء در صحنه عمل، برای او ثابت می‌کند که این رفتار و سلوک سریان و جریان دارد و این سریان و جریان ناشی از یک جهت و مبدأ و منشأ عقلایی است.

ضمن این که راه اول را قبول داریم و راه میدانی مستقیم است که می‌بیند آدم‌های مختلف در شرایط مختلف این‌جور عمل می‌کنند در آن وضعیت آن‌جور عمل می‌کنند این بهترین زمینه‌ای است که سیره‌ای را احراز بکنیم.

# بیان چند نکته

البته این مشاهده اینجا مفروض گرفته‌اند مشاهده میدانی خود شخص است ما ملاحظه‌ای که اینجا داریم دو سه نکته است

## نکته اول

اینکه عین همین در مشاهده و استقراء تاریخی هم متصور است یک بار است که خود ما میدان را تجربه می‌کنیم و مشاهده می‌کنیم و استقراء می‌کنیم که این ظاهر اولیه کلام است اما علاوه بر این گاهی همین استقراء با واسطه خبرهای دیگران است، خود من مستقیم انجام نمی‌دهم که پنجاه تا کشور را ببینم و هزار گروه را دیده باشم، مشاهده مستقیم یک راه است و همین استقراء با مشاهده از طریق گزارش‌ها و خبرهای معتبر مصداق درست می‌کند این اختصاص به نوع اول ندارد بنابراین یک ملاحظه است که این استقراء سلوک‌های متعدد برای اثبات سیره ساریه و جاریه و عقلاییه دو شیوه دارد. یک شیوه این است که میدانی و مستقیم شخص مشاهده کند.

دو اینکه مستقیم مشاهده نکند با وسائط و روش‌های معتبر آن را مطلع بشود از روش‌های تصویری و خبرها و گزارش‌های معتبر این قسم دوم همان حکم را دارد.

یک طیفی از روش‌ها برای استقراء هست، روش مستقیم یا روش متکی بر فناوری‌ها یا روش‌های متکی بر اخبارات

## نکته دوم

این است که این روش استقراء اختصاص به عصر خود ما ندارد همین را می‌شود با روش‌های معتبر به اعصار متقدمه هم تسری داد، ممکن است الان خود ما نتوانیم ببینیم ولی با مراجعه به تاریخ و سند‌های تاریخ و نقل‌های تاریخی بگوییم دویست سال قبل مثلاً در عهد قاجار این جور رفتار می‌شده است. پانصد سال قبل در عصر فلان این‌جور رفتار می‌شده است

می‌شود استقراء را علاوه بر زمان حاضر به ازمنه سابق با تکیه بر علائم و نشانه‌ها تعمیم داد.

منت‌ها این شواهد تاریخی که سیره در عصر پیشین و اعصار متقدمه اثبات می‌کند انواع و اقسامی است که یکی از آن‌ها کتب تاریخی است ولی ممکن است در مواردی شواهد و اسناد دیگری هم پیدا کرد از آثار باستانی هم بشود شواهدی پیدا کرد که این جوری رفتار می‌کردند.

## نکته سوم

این است که استقراء محض آیا می‌تواند ما را به این حکمی که می‌گوییم این سیره و رفتار ناشی از یک وجه عقلایی است که برساند یا خیر؟

ابتدائاً کسی این متن را ببیند می‌گوید استقراء می‌کنیم در اینجا و آنجا شرایط مختلف این امر ساری و جاری است بنابراین عقلایی است

آن چیزی که اینجا باید دقت کرد این است که در ملاحظه سوم می‌گویم این است که ما دو هدف را اینجا تعقیب می‌کنیم

یکی این که یک سیره جاریه گسترده وجود دارد و همه این‌جور عمل می‌کنند این یک گام است برای اینکه بگوییم سیبره جاریه است گسترده است واسع است

گام دوم که باید برداشت این است که بگوییم این سیره عقلاییه است یعنی ناشی از یک منشأ عقلاییه است نه از اینکه منشأ غریزی شهوانی است این امر را می‌خواهیم اثبات کنیم یا نه؟

این دومی را بخواهیم اثبات بکنیم استقرائش سخت‌تر است یک جوری تحلیل وجدانی هم باید ضمیمه کرد

برای اینکه صرف استقراء در گام اول می‌گوید این روش میان مردم همه جا هست پس یک منشأ مشترک میان مردم دارد، سیاه و سفید، آفریقا و آسیا و پیر و جوان در بازار این‌جوری عمل می‌کنند

اما چیزی که همه جا هست همه که وجه عقلایی ندارد بعضی رفتارهای شهوانی بشر از خود نشان می‌دهد یک رفتارهای از روی حس غریزه انتقام از خود نشان می‌دهد که اصلاً عقلایی هم نباشد

ولی مشترک است و همه جایی هم هست

پس بعد از اینکه می‌گوییم این سیره همه جایی است اگر بخواهیم بگوییم این سیره همه جایی ناشی از یک رویکرد عقلایی است که پشتوانه این عمل مشترک است نیاز به تمهل بیشتری دارد که در این تمهل استقراء هم می‌آید که افراد را در احوال مختلفی که آن جنبه غریزی انتقامی در آن نیست باز این کار را انجام می‌دهند

در کنار این تحلیل وجدانی خیلی اهمیت دارد.

ولی اینکه مکشفه هستند، آن رفتارهای جنسی انجوری نشان می‌دهد و همه جا هم هستند وجدان ادم می‌فهمد که این از یک وجه عقلایی ناشی نیست از وجه شهوانی ناشی است

بنابراین سیره اگر بخواهد عقلاییه و جاریه اثبات بشود دو مطلب اینجا وجود دارد

یکی سریان و جریان سعه و گستردگی سیره است که نتیجه آن سیرة الناس می‌شود با قطع نظر از فرهنگ و کذا

مرحله دوم این است که بگوییم این سیره ناشی از یک جهت عقلاییه است از یک منظر عقلایی این رفتار را انجام می‌دهند این رفتار همگانی ناشی از این منظر عقلایی است

این یک استقراء دقیق‌تری می‌خواهد که خیلی وقت‌ها نیاز به ضمیمه تحلیل وجدانی دارد. باید وجدان را قاضی کند اهواء و انگیزه‌های خود را می‌فهمد این فعل را با آن نسبت می‌دهد می‌بیند با این جهت عقلایی نسبت دارد یا با آن جهت غریزی نسبت دارد.

اینجاست که هم استقراء دقیق‌تری لازم است و خیلی وقت‌ها تحلیل وجدانی اینجا لازم است پیوست آن می‌شود.

## راه دوم: تحلیل وجدانی

در راه دوم دیگر سراغ معاینه و مشاهده خارجی و مستقیم و اشکالی که گفتیم نمی‌رویم در خود درون کاوی می‌کنیم و می‌بینیم حتماً این سیره هست یک جوری برهان لم است یک تحلیل و روانکاوی در خود انجام می‌دهیم و چشم‌بسته و می‌گوییم سیره عقلا این است.

می‌گوییم همه عقلای عالم الان این‌جور رفتار می‌کنند درحالی‌که نه دیده‌ایم و نه شنیده‌ایم. با یک برهان لمی و تحلیل روان‌شناسانه و درونی و روانکاوی درونی اثبات یک سیره عقلاییه می‌کنیم

اینجا هم دو مرحله دارد؛ یک مرحله اثبات سیره می‌شود که مردم این‌جوری هستند و با یک دقت بیشتر حتی می‌شود سیره عقلاییه را اثبات کرد.

در راه دوم تعبیر متن این طوری است که إن الانسان اذا عرضت مسئلة علی وجدانه و ارتکازه فرئا أنه انساق الی موضع معین فی‌ها وکان ذلک واضحاً لدی وجدانه بدرجة کبیره ثم لاحظ أن ادراکه غیر مرتبط بالخصوصیات المتغیره باختلاف الاحوال و الاشخاص

زندگی خود و در درون خود تأمل می‌کند می‌بیند که وقتی می‌خواهد با کسی معامله کند چیزی که در دست کسی باشد می‌گوید برای خودش هست فرض کنیم انسان مجرد منتزه از جامعه است می‌گوید من الان بخواهم در بازار با کسی معامله بکنم کسی چیزی دست او هست از او می‌خرم، می‌روم تحقیق بکنم که آیا این مال خود اوست یا نیست سابقه و لاحقه او چیست؟ می‌بینیم به غیر از این هم زندگی را نمی‌شود تنظیم کرد فقط خودش را می‌بیند حتی فرضی برای خود تصویر می‌کند که اگر مواجه با مقام خریدن شد با این سؤالات، که اینها را از کجا آورده است آیا اینها را باید تحقیق بکند؟ زندگی بشر این است که خیلی از اینها را بدون تحقیق می‌گوید این را قبول دارم یا معاطات یا از این قبیل

یا در این راه دوم بدون این که نمونه‌های متعدد را مشاهده کرده باشد در خود در موقعیتی حکمی می‌بیند و حتی ممکن است عمل هم نکرده باشد موقعیتی را فرض می‌کند عقل او می‌گوید باید این‌جور عمل کرد

هیچ عامل سائق غیر عقلایی هم اینجا نیست که بگوید روی غضب و شهوت است و روی هیجان و عاطفه است و احساسی به او دست داده است طبع سلیم اقتضا می‌کند که ید را اماره ملکیت بداند معاطات را منشأ ترتب آثار بداند

بعد آن قدر برای او وضوح دارد که می‌گوید حتماً این سیره عقلاست با این روش اثبات سیره می‌کند ولی یقین دارد همه این‌جور عمل می‌کنند ولی با یک روانکاوی درونی بدون مشاهده خارجی.

خیلی وقت‌ها این تحلیل وجدانی با استقراء خیلی محدود ضمیمه می‌شود اما آن را تحلیل وجدانی آن را اثبات کرده است.

آنجا برهان إنی است از بیرون دید این‌ها را می‌گوید پس همه را دید و نتیجه می‌گیرد که همه این‌جور عمل می‌کنند اما اینجا همه را ندیده است و خود را دیده است با یک کاوش و مداقه درونی اثبات می‌کند یک سیره‌ای را برای همه مردم این به نحو لمی است می‌گوید چیزی پشت صحنه وجود دارد و می‌گوید همه باید این‌جور رفتار کنند

در آفریقا سوار ماشین شدیم و دیدیم که صندلی ماشین خم نمی‌شود گفتیم به راننده صندلی خم نمی‌شود گفت نه ما نمایندگی‌های مختلف دیده‌ایم گفتند نمی‌شود

به او گفتم من نه فنی هستم و نه می‌دانم قصه چیست ولی به نحو برهان لمی می‌گویم این صندلی خم می‌شود

برهان لمی هم این است که آن حکیمی که این را ساخته است فکر این را هم کرده است

بعد اینها به نمایندگی مراجعه کردند و گفتند بله روشی داشت و صندلی خم می‌شد

برهان لمی این طور است، خارج را نمی‌دانم چطور است ولی با یک تحلیل وجدانی می‌گویم این است تحلیل وجدانی این است منت‌ها البته اینجا آنکه در این متن گفته شده است شرایطی دارد

شرایط یکی اینکه می‌خواهی بگویی جامعه در همه شرایط این‌جور رفتار می‌کند طبق آنچه در کتاب آمده است دو شرط دارد

یکی اینکه امری مورد ابتلا باشد خیلی چیزها جنبه عقلایی دارد ولی چیز محدودی است و گوشه و کنار اتفاق بیفتد بلکه موضوعی مبتلا در دایره وسیع عقلا باشد مثل ید اماره ملکیت است معاطاة از این قبیل اموری که بشریت از صبح با آن مواجه است

دوم اینکه اطمینان به این باشد که امر خارجی و مانعی جلوی بروز این سیره را نگرفته باشد

اگر این دو را احراز بکنید می‌شود سیره را به دست آورد و در مواردی که سیره‌ای را اثبات می‌کنیم از این طریق است نه مشاهده خارجی

# ملاحظات

## ملاحظه اول

این است که این تحلیل وجدانی طیف دارد و در بسیاری از موارد این تحلیل وجدانی با استقراء ناقص است اینکه تحلیل وجدانی کاملاً فردی و انتزاعی باشد که هیچ نمونه نبیند زیاد نیست خیلی وقت‌ها این تحلیل وجدانی و استقراء کنار هم هستند استقراء تام نیست استقراء کوچکی است که این تحلیل وجدانی آن را تعمیم می‌دهد

تحلیل وجدانی محض می‌شود ولی کمتر محقق می‌شود و غالباً تحلیل وجدانی همراه با یک استقراء محدود است که این تحلیل وجدانی این استقراء ناقص محدود را دایره وسیع می‌دهد و لذا ترکیب این دو خیلی متداول است

البته نفی نمی‌کنیم می‌شود تحلیل وجدانی شخصی بدون اتکاء بر هر نمونه مشاهده خارجی می‌تواند راه را برای اثبات یک سیره عقلاییه باز کند اما کمتر است بیشتر یک ضمائم استقرائی و مشاهدات خارجی دارد.

## ملاحظه دوم

این است این تحلیل وجدانی در یک فضای معلق انتزاعی نیست خود این وجدان این آینه درون و این روانی که کاویده می‌شود و به این حکم ما را می‌رساند خود بازتاب این جامعه است و الا اگر بگوییم یک فرد که جامعه را درک نکرده است و در جنگلی بزرگ شده است با یک تحلیل وجدانی اینجا به یک سیره عقلاییه عامه برسد -آن هم نمی‌گوییم عقلا نمی‌شود – ولی عرفا و عادتاً چنین چیزی میسر نیست

وقتی با تحلیل می‌خواهد بگوید آن نگاه و وجه عقلایی ما را می‌رساند که همه باید این‌جوری عمل بکنند بدون اینکه دیده باشیم این همه را باید دیده باشد و تجربه کرده باشد در یک داد و ستد اجتماعی قرار گرفته باشد حالا در یک موضوعی در خلوت خود می‌گوید این جامعه‌ای که من دیده‌ام و این نیازهای جامعه که دیده‌ام ما را به اینجا می‌رساند و لذا نباید تحلیل وجدانی را بگوییم یک امر انتزاعی فردی محض است. وجدانی که از این جامعه متأثر است منت‌ها موضوع خاص اطلاع ندارد و لذا حکم می‌کند که جامعه این‌جور است

صلی الله علی محمد و آل محمد